



دکتر علی اکبر شعاری نژاد

نگاهی از نوع دیگر به برنامه و کتاب درسی

هدف و وسیله!



بین، بیندیش، بخوان و بنویس



هر مقوله‌ی درسی
یا آموزشی که
اندیشیدن انتقادی
در موضوع خود را
برنینگیزد، ارزش
خواندن ندارد

ورود به مطلب

یکی از مباحث نسبتاً پیچیده در حوزه‌ی آموزش-پرورش، خصوصاً فلسفه‌ی تربیت، دو مقوله‌ی «هدف» و «وسیله» است:

- رابطه‌ی آن دو با هم چگونه است؟

- کدام یک مهم‌تر است؟

در تعریف هدف می‌توان گفت: آن چه که می‌خواهیم به دست آوریم.

- آن چه که آگاهانه انتخاب یا تعیین کرده‌ایم و برای تحقق آن می‌کوشیم.

- آن چه که برای به دست آوردنش یا رسیدن به آن، برنامه‌ریزی کرده‌ایم یا می‌کنیم.

- آن چه که برای دست یافتن به آن، از ابزارها یا وسایل

ویژه‌ای استفاده می‌کنیم.

- آن چه که برای تحقق آن آگاهانه می‌کوشیم.

در تعریف وسیله می‌توانیم گفت:

- آن چه که ما را در رسیدن به هدف کمک می‌کند: مادی و غیرمادی.

- آن چه که تجربه دریافته‌ایم که بدون استفاده از آن، هدف ما تحقق پیدا نمی‌کند: مادی و غیرمادی.

به نظر می‌رسد که «هدف»،

مقدم بر «وسیله» است و نسبت به آن اولویت دارد. چون این ابزار یا وسیله (مادی و غیرمادی) است که رسیدن به هدف را «ممکن» می‌سازد. لکن این حکم اگر در بیشتر موارد زندگی صادق باشد، مثلاً باید پول بدهیم تا نان بخریم و نیاز گرسنگی خود

را ارضا کنیم، در حوزه‌ی آموزش-پرورش، چندان صادق نیست. چون آن چه ما در آموزش-پرورش، وسیله تلقی می‌کنیم، بدون تردید کلید تعیین‌کننده‌ی تحقق هدف است و هم‌زمان با تعیین یا انتخاب هدف، باید به روشنی تعیین شود.

از سوی دیگر، هدف آموزش-پرورش، خصوصاً در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، طبعاً یک عده مفاهیم انتزاعی نخواهد بود و نباید باشد، زیرا دانش‌آموزان در این دو مرحله‌ی مقدماتی آموزش، هنوز از فهمیدن این گونه مفاهیم بدون مصداق‌های محسوس، ناتوان‌اند. مثلاً ایشان در این سن نمی‌توانند مفاهیمی از قبیل عدالت، برابری، فضیلت و ... را درست دریابند، مگر این که عملی را ببینند. یعنی رفتار یا کردار عادلانه‌ی اطرافیان یا مدیر و



انسانی را سالم و متعادل خوانند که مغز و دست و دل او با یکدیگر هماهنگ باشند

معلمان است که مفهوم «عدالت» را برای این دانش‌آموزان تعریف می‌کند، نه کلمه یا مفهوم «عدالت». به عبارت دیگر، هدف کلی آموزش - پرورش در دوره‌های مقدماتی آموزش، این است که در محیط مدرسه عملاً یاد بگیرند: چگونه سالم، موفق و شاد زندگی کنند. این‌گونه زندگی را باید در مدرسه تجربه کنند؛ نه این‌که تنها داستان زندگی را بخوانند یا بشنوند. کودکان و نوجوانان، آن‌چه را که می‌بینند، یاد می‌گیرند، و عمدتاً تقلیدی رفتار می‌کنند. از این رو نمی‌توان مدرسه را تنها یک وسیله پنداشت، بلکه خود آن و سایر امکانات آموزشی و حتی فعالیت‌های آموزشی مدرسه، «هدف» تلقی می‌شوند و به همان اندازه و گاهی بیشتر باید مورد توجه باشند.

کتاب درسی

معمولاً «کتاب درسی» در فرهنگ آموزش - پرورش ما «وسیله» تلقی می‌شود و عملاً در درجه‌ی دوم، و شاید سوم و چهارم قرار می‌گیرد! غافل از این‌که کتاب درسی، در واقع احیاگر هدف‌ها و برنامه‌های درسی است. البته کتابی که دارای ویژگی‌هایی از این‌گونه باشد:

۱. ساختار سالم و جالب

- عرض و طول مناسب داشته و در کیف‌های معمولی مناسب مدرسه قابل حمل باشد.
- حجم آن کمتر از ۱۰۰ صفحه نباشد؛ البته با توجه به موضوع.
- حروف سیاه درشت و

- حرف‌چینی زیبا داشته باشد.
- کاغذ مخصوص آن، آزارنده‌ی چشم نباشد.
- حاشیه‌های سفید برای یادداشت‌های احتمالی: لغت، اسامی، توضیح و ... داشته باشد.
- دارای عکس‌های شاد و معنادار و محرک اندیشه‌ها باشد.
- صحافی محکم، زیبا و مورد علاقه‌ی مخاطب داشته باشد.

۲. محتوای مناسب

- انشای مناسب یعنی جمله‌های کوتاه، گویا و مناسب زمان داشته باشد.
- املاهای صحیح با رعایت کامل آیین نگارش داشته باشد.
- سبک نگارش آن زیبا و جذاب باشد؛ به طوری که خواننده بدون احساس خستگی و حتی بدون احساس ضرورت وجود معلم، به ادامه‌ی خواندن تشویق شود.
- توضیح روشن لغت‌های دشوار یا تازه، در پاورقی همان صفحه‌ای که لغت‌ها به کار رفته‌اند، آمده باشد.
- اندیشیدن انتقادی، بازاندیشی، و حتی فراتراندیشی را تحریک و تشویق کند.
- خلاقیت و اندیشه‌های خلاق دانش‌آموزان را برانگیزد.
- هرگز شکل تبلیغی گرایشی خاص را نداشته باشد.
- فرصت خیال‌پردازی را از کودکان خردسال، مثلاً در چهار کلاس ابتدایی، نگیرد،

- که ضرورت رشد و تکاملی ایشان است.
- دانش‌آموزان را به «خودگردانی» در یادگیری برانگیزد و هدایت کند.
- فضیلت‌های اخلاقی - انسانی را به شکل داستان، اما بدون نتیجه‌گیری مستقیم، مطرح کند. به شخصیت‌هایی اشاره کند که برای مخاطب قابل تجسم هستند و او می‌تواند ایشان را الگو قرار دهد و به راحتی از ایشان تقلید کند.
- به عبارت دیگر، نویسنده یا معلم در سخن گفتن از هر شخصیتی، باید به افکار و اعمال مؤثر آن‌ها که قابل تقلیدند، پردازد؛ بدون این‌که دانش‌آموزان احساس تعصب به آن شخصیت بکنند. حتی در سخن گفتن از شخصیت‌های متفاوت، نویسنده یا معلم فقط باید به ویژگی‌های ایشان اشاره کند و مقایسه، ترجیح و احیاناً انتخاب را به خود دانش‌آموزان واگذارد. در مطرح کردن هرگونه داستان، خصوصاً داستان‌های اخلاقی، باید هرگونه نتیجه‌گیری به عهده‌ی خود دانش‌آموزان واگذار شود. جز این‌که معلم، فرصت‌هایی را فراهم کند که خود دانش‌آموزان درباره‌ی شخصیت‌های متفاوت داستان بحث کنند و عملاً روش بحث و مناظره‌ی کلامی و استدلال کلامی را یاد بگیرند. معلم در این‌گونه موارد صرفاً نقش راهنما را خواهد داشت و هرگز دیدگاه خود را به دانش‌آموزان تحمیل نخواهد کرد. و



اگر اظهار نظرش را ضروری یافت، باید به عنوان یک عضو، نه بالاتر، در نوبت خودش بیان کند؛ به طوری که دانش آموزان، آن را هم یک دیدگاه تلقی کنند نه بیشتر.

مثال‌های مناسب و قابل فهم و حتی قابل ملاحظه داشته باشد؛ زیرا مثال‌ها مطالب کتاب درسی را زنده می‌کنند و زنده نگه می‌دارند.

الف - همه‌ی مطالب برای دانش آموزان «معنادار» باشد، یعنی:

الف) درست و خوب فهمیده شود.

ب) به تجربه‌های زندگی ایشان مربوط باشند.

پ) به نیازهای سنی ایشان پرداخته باشند.

با برنامه‌ی درسی مصوب منطبق و در عین حال، ترمیم‌کننده‌ی نارسایی‌های احتمالی برنامه‌ی

درسی باشد.

به طور کلی، کتاب درسی در همه‌ی مواد درسی و مراحل آموزشی، خصوصاً در دوره‌های مقدماتی، باید از هر لحاظ، جالب و جذاب و محرک چالش‌های فکری باشد؛ به مسائل یا موضوعاتی بپردازد که برای دانش آموزان تازگی دارند و آموختن آن‌ها خوش حال‌کننده و لذت‌بخش است.

انسانی را سالم و متعادل خوانند که مغز و دست و دل او با یکدیگر هماهنگ باشند.

تألیف کتاب درسی

با توجه به نکات مذکور می‌توان دریافت، تألیف کتاب درسی، به ویژه برای دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، مهارتی است بسیار پریچ و خم و دشوار و پرمسئولیت. بنابراین،

مؤلفان کتاب‌های درسی حتماً باید از خصایص زیر برخوردار باشند:

۱. دوره‌ی خاص تربیت معلم را دیده باشند (دوره‌ی چهارساله).
۲. دوره‌ی خاص تألیف کتاب‌های درسی را گذرانده باشند.
۳. حداقل ده سال سابقه‌ی معلمی، خصوصاً در دوره‌ای که برایش کتاب می‌نویسند، داشته باشند.

۴. کتاب‌های درسی مقوله‌ی تألیفی خود را در گذشته و حال دقیقاً و به صورت «تحلیلی» مطالعه کرده باشند.

۵. با فرهنگ و ادبیات کودکان و نوجوانان به خوبی آشنا باشند.

۶. در موضوع یا مطلب مورد نظر، تخصص لازم را داشته باشند:

- گذشته‌ی آن علم یا معرفت را مطالعه کنند.

**آموزش - پرورش
سالم و زنده،
همگان را بندگان
خداوند متعال
می‌داند و برای
خودش کوفایی، بیدار
بودن، پویا بودن،
برخورداری از عشق
و ایمان و امید و
اعتماد و اعتدال
همه‌ی کودکان و
نوجوانان می‌کوشد**

● وضع کنونی آن را در کشور خود و جهان دریابند.

● وضع مطلوب و آینده‌ی احتمالی آن را مطالعه کنند.

۷. با روان‌شناسی کودک و نوجوان، روان‌شناسی اجتماعی، فرهنگ‌شناسی، جامعه‌شناسی،

است؟
- آن را برای خودشان نگه می‌دارند؟
- حاضرند درباره‌ی آن با یکدیگر بحث کنند؟
- در مورد آن، می‌خواهند به منابع دیگری مراجعه کنند؟



روان‌شناسی خواندن و نوشتن، و مهارت‌های امروزی زندگی، آشنا باشند.

۸. پیش از همه‌ی این‌ها، «کتاب درسی» را برای خودشان تعریف کنند و رسالت و نقش حیاتی-علمی آن را دریابند؛ به طوری که در مورد لزوم بتوانند آن‌ها را تحلیل و تبیین کنند.

۹. در نوشتن هر مطلب، خودشان را جای دانش‌آموزان بگذارند که آیا: - می‌توانند بدون معلم آن را بخوانند و بفهمند؟

- می‌توانند مفاهیم کلیدی آن را دریابند؟
- به اندیشیدن انتقادی برانگیخته می‌شوند؟
- از خواندن و آموختن آن لذت می‌برند؟
- مطالب برای ایشان معنادار

- پرسش‌هایی برای ایشان مطرح می‌شود؟
- اشخاص معرفی شده، صلاحیت سرمشق شدن را دارند؟ و درست معرفی شده‌اند؟
- خود معرفی‌کننده یا معرفی‌کنندگان اشخاص، اعتبار علمی دارند؟

مدرسه جایگاه حل کردن مسائل نیست، بلکه جایگاه طرح مسائل واقعی زندگی، خصوصاً در مراحل سنی دانش‌آموزان، و تحلیل و تبیین آن‌ها و جایگاه راهنمایی ایشان در برخورد با مسائل واقعی و چگونگی تحلیل و تبیین و حل کردن آن‌هاست؛ چه مهارت دشوار و پرمسئولیتی! و تنها معلمانی چنین مهارتی را دارند که صرفاً برای این حرفه تربیت شده‌اند.

ویرایش کتاب درسی

پیش‌نویس هر کتاب درسی، پیش از رفتن به چاپ‌خانه، باید مراحل زیر را طی کند:
۱. ملاحظه‌ی ساختار کتاب به وسیله‌ی کتاب‌شناس کتاب‌های درسی؛

۲. ویراستاری علمی به وسیله‌ی دو نفر متخصص در آن مقوله، خصوصاً از لحاظ اعتبار و تازگی مطالب کتاب؛

۳. ویراستاری ادبی و فرهنگی (املائی و انشایی) به وسیله‌ی دو نفر متخصص ادبیات آن دوره‌ی سنی؛

۴. ویراستاری ترتیب و تنظیم مطالب کتاب در رابطه با برنامه‌های درسی مصوب؛

۵. برگشت دادن کتاب به مؤلف یا مؤلفان برای بازبینی دوباره؛

۶. بازبینی دوباره‌ی آن به وسیله‌ی دو نفر معلم همان دوره و چند نفر دانش‌آموز در همان سن؛ هم‌چنین، باید توجه داشت که در تألیف کتاب‌های درسی دوره‌ی مقدماتی آموزش-پرورش، هر کتاب نباید بیش از دو مؤلف داشته باشد تا هماهنگی مطالب و نگارش آن‌ها حفظ شود. نیز لازم است، مؤلفان همه‌ی کتاب‌های درسی، پیش از پرداختن به تألیف، در کارگاهی آموزشی شرکت کنند تا به وسیله‌ی برنامه‌ریزان درسی و کارشناسان کتاب‌های درسی، به تحلیل و تبیین برنامه‌های مصوب، هدف‌های کلی آموزش-پرورش، و هدف‌های خاص هر ماده‌ی درسی بپردازند، تا بتوانند آگاهانه و نظام‌دار

آموزش - پرورش (تربیت) شایسته، عشق، منطق و جرئت را با هم در بردارد

پایه‌های این ابعاد رفتاری تهیه و تنظیم شوند و به تبع آن‌ها، کتاب‌های درسی طوری تألیف شوند که مغز و دست و دل دانش‌آموزان را با هم و هم‌زمان تربیت کنند: مغز، اشاره است به مجهز شدن به علوم و معارف روز یا مورد نیاز زمان؛ دست، اشاره دارد به تکنولوژی نو که در دنیای امروز کلید زندگی تلقی می‌شود! و دل، اشاره است به عواطف انسان یعنی نگاه‌داری و تقویت انسانیت انسان، که بدون آن، علم و تکنولوژی بیشتر نگران‌کننده خواهند بود تا سودمند!

هرگز فراموش نکنیم که زندگی انسان امروز، طبعاً و خواه ناخواه یک زندگی شبکه‌ای است، اگرچه در نقاط و شکل‌های ظاهراً متفاوت انجام می‌گیرد. در دنیای امروز، نباید به فکر فرهنگ انحصاری باشیم که عملاً غیرممکن است. بلکه به بهبود و امنیت زندگی افراد بشر بیندیشیم و برنامه‌ریزی کنیم و به جای تعصب‌های اختلاف برانگیز، برای تأمین سلامت و سعادت همگان بکوشیم. همواره به یاد داشته باشیم که زندگی سالم و شاد، فرایندی است همگانی.

آموزش - پرورش سالم و زنده، همگان را بنسندگان خداوند متعال می‌داند و برای خودشکوفایی، بیدار بودن، پویا بودن، برخوردار بودن از عشق و ایمان و امید و اعتماد و اعتدال همه‌ی کودکان و نوجوانان می‌کوشد.

و نیز آموزش - پرورش (تربیت) شایسته، عشق، منطق و جرئت را با هم در بردارد.

فرد و مؤلفه‌ای از سیستم جامعه، و جامعه، مؤلفه‌ای از جهان تلقی می‌شود. و هیچ‌گونه قشربندی به آن راه ندارد.

۶. در این‌گونه تربیت یا آموزش - پرورش، ابعاد پنجگانه‌ی شناخته‌شده‌ی رفتار انسان، با هم و هم‌زمان در همه‌ی برنامه‌های درسی مورد توجه‌اند و مهم تلقی می‌شوند، زیرا سلامت و سعادت خود در دنیا و عقباً، به درست تربیت شدن همه‌ی آن‌ها بستگی دارد. از این قرار:

الف) **بعد زیستی یا زیست - شناختی** (بیولوژیک)؛ چگونه زیستن و چگونه بزرگ‌شدن

ب) **بعد تن‌کار شناختی** (فیزیو- لوژیک)؛ چگونه کارکرد همه‌ی اعضای بدن

پ) **بعد روان‌شناختی** (پسیکو- لوژیک)؛ در برگزیده‌ی:

- بعد شناختی شامل افکار و معلومات و تجارب

- بعد روانی - حرکتی شامل مهارت‌ها

- بعد عاطفی شامل احساسات، گرایش‌ها و ارزش‌ها

ت) **بعد جامعه‌شناختی** (سوسیو- لوژیک)؛ شامل روابط اجتماعی - فرهنگی

ث) **بعد بوم‌شناختی** (اکو- لوژیک)؛ در برگزیده‌ی چگونگی استفاده از طبیعت و محیط زیست

برای این منظور، بهترین روش این است که مغز و دست و دل کودکان و نوجوانان با هم و هم‌زمان و در همه‌ی مواد درسی تربیت شوند. و این نیز طبعاً مستلزم این است که برنامه‌های درسی بر

کار کنند. هم‌چنین، اهمیت علمی- آموزشی کتاب‌های درسی در حوزه‌ی تربیت را مورد بحث قرار دهند. بدیهی است که به امکانات آموزش و یادگیری فعال آن‌ها هم خواهند پرداخت.

پایان سخن یک دردمند آموزش - پرورش!

در هرگونه تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای موفق امور تربیت یا آموزش - پرورش، خصوصاً در برنامه‌ریزی درسی و تألیف کتاب‌های درسی، همواره باید چند نکته‌ی مهم را در نظر گرفت:

۱. فرایند تربیت یا آموزش - پرورش و امور مربوط به آن، نه تنها به جامعه بلکه به جهان تعلق دارد و از آن همگان است. جهانی بودن و جهانی شدن آن را نباید فراموش کرد.

۲. پرداختن به آموزش - پرورش، خصوصاً در جهان معاصر، مسئولیت بس خطیری است.

۳. در حوزه‌ی آموزش - پرورش هر جامعه، همین که احساسات از در وارد شد، عقل و منطق از پنجره خارج می‌شود.

۴. برنامه‌های درسی و به تبع آن‌ها کتاب‌های درسی، در واقع نمایان‌گران فرهنگ جامعه و راهنمایان آینده‌ی آن تلقی می‌شوند. به من بگو چه می‌خوانی تا بگویم چه می‌شوی!

۵. در آموزش - پرورش شایسته و موفق، هر شهروند، در هر سنی که باشد، یک سیستم واحد منحصر به

منبع

در این مقوله و سایر مؤلفه‌های آموزش - پرورش، می‌توان به این کتاب مراجعه کرد:

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. روان‌شناسی تربیت و تدریس. نشر مؤسسه‌ی اطلاعات، تهران، ۱۳۸۷.